

بریت و عفاف و حشران

①



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نیز اسلام با آنها برخورد متفاوت دارد، تکلیف و مسؤ‌ولیتی که برای مردان معین کرده است سوی آن چیزی است که برای زنان معین نموده و این تفاوت وظیفی هم ناشی از تفاوت سرشتی و نشأت گرفته از شرایط زیستی است .

دامنه تفاوتها

نوع و دامنه تفاوتها وسیع و به حدی است که برخی از دانشمندان قدیم و حتی جدید زن و مرد را دو موجود کاملاً " متفاوت ذکر کرده، مدعی شده اند هر سلول وجودی مرد یازن فریاد برمی‌آورد که وابسته به یک مرد یا یک زن است . حال اگر این دعوی را اغراق آمیز بدانیم نخواهیم توانست تفاوتهایی را که به چشم می‌آیند نادیده بگیریم ، مثل :

— تفاوتهای زیستی شامل ساخت بدن ، رشدیدن ، مسأله بلوغ ، شرایط رحم ، نوع هورمونها و ...
— تفاوتهای ذهنی و روانی که صاحب نظرانی چون موریس دبس در این زمینه نظر داده، حتی کتابی مستقل در این مورد نوشته اند .

— تفاوتهای اجتماعی ، وظیفی و شغلی که اسلام از قرون گذشته بدانها عنایت داشته، دنیای منهای اسلام هم عملاً " آنها را مد نظر قرار داده و رعایت می کند . حضور زن در اجتماع ، نوع مشاغل و کارها ، شکل عضویت آنها در جامعه ، حدود توقعات ، حتی احرای موازین درباره آنان متفاوت با مردان است و این با درجات مختلف در همه مناطق جهان کاربرد دارد .

اساس تربیت نسل

در مورد اصل تربیت پسران و دختران جای

مقدمه

تربیت ، اداره و هدایت جریان رشد و مقصد نهایی آن رساندن آدمی به مقام عبودیت خالص است . تربیت را امری عمدی و آگاهانه معرفی کرده اند که نفوذ آن از نسلی بالغ بر نسلی در حال رشد اعمال می شود . تربیت سهلی است ممتنع ، و آسانی است بغایت دشوار ، بسیاری از انسانها خود را در مسیر آن قرار می دهند ، ولی گروهی اندک از آنان در این راه موفق می شوند . اهمیت تربیت را به اهمیت مرگ و حیات فرد یا جامعه تشبیه کرده اند و از دیدی حاصل آن را می توان مابه التفاوت انسان و حیوان ذکر کرد . دامنه آن وسیع و دربرگیرنده همه ابعاد وجودی است . جسم ، ذهن ، عاطفه ، روان و فطرت و عریزه و ... همه موضوع تربیت آدمی به حساب می آیند .

دو جنسی بودن تربیت

در نظام حیات اسلامی و در بینش آن ، تربیت دو جنسی است . نظام ، هدف و محتوایی برای پسران موجود است و نظامی دیگر مخصوص دختران . در این دو گونه گی تبعیضی مطرح نیست ، که اساس و مبنای آن تفاوت است ، تفاوتی که ریشه در سرشت و طبیعت مرد وزن دارد و زمینه ساز گونه گونی رفتار است .

توضیح مسأله این است که در بینش اسلامی مرد وزن از نفس واحده اند ولی به دو گونه و به دو صورت ، از نظر طبیعت و سرشت آفریده شده اند . در جنبه وظایف و مسؤ‌ولیتهای زندگی

آنها هم می توانند سرمایه های مفید و گرانقدری برای جامعه باشند، از آنها هم سخت‌تر و مکتشف، دانشمند و صاحب نظر، فقیه و محدثه و عالیه در طول تاریخ پدید آمده اند.

از نظر اجتماعی هم تربیتشان ضروری است، از آن بابت که آنان پرورنده نسل آینده، مدیران کانون، عاملان محبت و مودت، عاملان سکون

بحث و سخنی نیست، در اسلام پسر و دختر هر دو باید تربیت شوند، هر دو باید ساخته و پرداخته شده، به کمال مقدر و مطلوب خود برسند، ولی هر کدام در شرایط و شرایط زیستی، روانی و وظیفی خود، و در این راه هیچیک بردیگری برتری داده نمی شود.

ملاحظه در منابع اسلام این نکته را ثابت می کند که اسلام نه تنها در تربیت دختران کوتاهی ندارد و هیچ گونه سهل گیری در سرمایه گذاری برای تربیت او نسبت به پسران ندارد، بلکه در مواردی که عنایت را به نفع دختران سنگینتر می سازد. اسلام به این نکته نیک واقف است که دختران، مادران آینده جامعه و پرورش دهنده نسلهای بعدی هستند. کفایت یا عدم کفایت آنان در تربیت که بر اساس داده های امروز ماست، در سرنوشت نسل اثراتی مثبت یا منفی خواهد گذارد.

در ضرورت تربیت دختران

اسلام هم بدان معتقد و قائل است که دختران از نظر فردی و اجتماعی قابل تربیتند و بدان نیاز دارند. در جنبه فردی آنها هم بمانند پسران با سرمایه، تجهیزات و ذخایری به دنیا می آیند که باید کشف و استخراج گردد و مورد بهره برداری قرار گیرد. آنها هم دارای ابعاد و جوانمی هستند که باید ساخته و پرورده گردند. نیاز آنها به سازندگی و رشد از پسران کمتر نیست. فطرت خدا آشنائی که آدمی را به سوی کمال و قرب الهی سوق می دهد در آنها هم وجود دارد.

بررسیهای تجربی و روزمره نشان داده اند که اگر شرایط مناسب تربیت درباره دختران اعمال گردد



ایشان لازمتر می گردد .

تربیت اخلاقی دختران

بخشی از تربیت، وازدید اسلام شایدبتوان گفت کلی تربیت، متوجه اخلاق است. اخلاق در اسلام به حدی واجد اهمیت است که رسول خدا (ص) آن را رمز انحصاری بعثت خود ذکر فرمود. (و انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) چنین پرورشی برای هردونسل ضروری و برای دختران ضروری تر است. این امر بدان خاطر است که مکتوبات تربیتی دختران بعدها به صورت مستقیم بهجامعه بر می گردد. همان گونه که ذکر شد دختران امروز مادران فردایندو فضائل مادران عامل رشد جامعه است وبرعکس سقوط وانحطاط اخلاقی آنسان عامل فساد و حتی بزهکاری نسل است .

مایه های اخلاق درجان وفطرت ما وجود دارند وبراساس بینش قرآنی هر انسانی درزمان ولادت بدان ملهم است. تنهاوظیفه مربی متحلی کردن، به فعل درآوردن ودرعبارتی ساده تر آراستن فرد بدان زیوراست .

درپرورش اخلاقی دختران توجه به سه مسأله -اللازم می دانیم :زمینه سازی برای رشد، توجه دادن به ارزشها، آراستگی به عفاف وپوشش که مادران بحث بهمسأله سوم تکیه بیشتری خواهیم داشت .

الف - زمینه سازی برای رشد

بخشی مهم از پستیها ووزالتها که دربرخی از آدمیان به چشم می خورد، ریشه درتربیت

وآرامش خانواده، سازندگان نسل وحتسوی همسران، وجدان مدنیت و فرهنگ ودرطحی کلی پدید آورنده جنگها وصلحها، ناامنی ها و امنیت بشرند .

براین اساس آنچه که درجامعه از کمبود آن باید نگران بود، کمبود مادران تربیت یافته ودختران صالحه وقانته است . واکر روزی بنا شود در جامعه ای سازندگی یا بازسازی پدید آید، نخست باید به سراغ دختران ومادران رفت .

نکته ای مهم درتربیت آنان

درتربیت دختران از نظر اسلام، برخلاف آنچه که درجوامع غربی شاهد آنیم، این تاءکید وجود دارد که آنها دختر وزن تربیت شوند، وبه جنسیت خود راضی وشراط آن راپذیراباشند . از نظر اسلام وجود دختران مرد صفت وپسران زن صفت درجامعه نوعی شکست درتربیت محسوب می شود .

شیوه های غلط پدران ومادران در تربیت نسل، برتری دادن جنسی برجنس دیگر، تحقیرها وملامتهایی که احياناً " دربارہ پسر یا دختری درمحیط خانه وجامعه روا داشته می-شود، سبب می گردد که گاهی دختری ازدختر بودن، ویاپسری از پسر بودن خود ناراضی گردد وناخودآگاه ادای رفتارجنس مخالف را درآورد ویا هوس رفتار جنس دیگر را داشته باشد .

اصل براین است دختران مادر جریان رشد به گونه ای پرورش یابند که از محبت وعنايت کافی اشباع شده، به جنسیت خود رضایت دهند. رفتارشان زنانه وعمل وحالتشان ازجنسیت آنان حاکی باشد ودرچنان صورتی حفظ عفاف برای



است، همانند ریحانه وگلی است که در معرض تصادمات و دستکاریها نباید قرار گیرد، چه در آن صورت بسادگی برپیر خواهد شد. او باید دریابد که موجودی عزیز و گرانقدر است، چراغ خانه است، محیط کاشانه را او باید روشن کند، درخشندگی و نورش و نیز حاذبه و حرارتش باید کانون را گرم دارد. او دختر است و در آینده ای نزدیک همسر و مادر خواهد بود، باید شرایط و زمینه های آن را در خود فراهم کرده، حاضر نگهدارد.

همچنین باسخنانی لطیف این نکته را دریابد که بیش از پسران در معرض خطر و تهدید است، به همین جهت والدین و مربیان به او عنایت بیشتری دارند. کنترل و مراقبت بیشتر آنها از اوبه خاطر گرانقدری اوست. حفظ خود و عفاف خود برهمگان لازم است و برای اولاد منتر، شاهن او بالاتر از آن است که با هر کسی در ارتباط

خانوادگی دارد. والدین و مربیان در زرمزه های تربیتی خود شرایط رشد و اهمیت آن را بسد و گوشزد نکرده اند و او دریافته است که فردی مهم و دارای شأنی عظیم است. اگر فردی و حتی کودکی دریابد که بزرگ و مهم است، شاهن خود را بالاتر از آن خواهد دانست که تن به رذالت و انحطاط دهد. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: پستیها و انحطاطها در افراد به خاطر احساس پستی و ذلتی است که در درون آنها وجود دارد.

برای زمینه سازی رشد از همان دوران خردسالی و مخصوصاً "از سنین تمیز باید دختر را به ابزار و امکانات زیر تجهیز کرد:

۱- توجه دادن به شرایط و موقعیت خود

باید به او گوشزد و تفهیم گردد که او دختر

الانسان عبیدالاحسان .

شیوه تربیت باید به گونه ای باشد که از سنین تمیز عاطفه اش چشم دار و جهت دار گردد . دوستیها و دشمنیها ، میلهها و نفرتها اندیشیده و از روی حساب باشند . والدین و مربیان در سایه تفهیمها و تذکرات و هشدارها فرزندشان و مخصوصاً " دختران را وادارند که به هر محبتی پاسخ مثبت ندهند ، و حتی یک دختر از سنین ۶ به بعد باید محرم و نامحرم را بشناسد و اجازه ندهد فردی نامحرم ، اگرچه آشنا و همسایه باشد او را ببوسد . همچنین در سنین نوجوانی و بلوغ اسلام در آغوش گرفتن پدر دختر خویش را ممنوع اعلام کرده است و او باید پذیرای چنین شرایط و بدان هشیار باشد .

۴- تقویت کنترل درونی

تربیت مذهبی برای پسران و دختران ضروری و شروع آن از همان خردسالی است . اسلام عملاً " تربیت مذهبی دختران را جلو انداخته و بلوغ شرعی و تکلیفی او را زودتر آغاز کرده است . فلسفه این پیش افتادگی هرچه باشد این فایده را دارد که عامل تقویت و کنترل درونی است و سبب می شود او خود را بیش از پیش مراقب باشد و در عرصه مفاسد محیطی خود نگاهدار باشد .

این به نفع رشد دختران است که خدا را در دل آنها بزرگ گردانیم ، او را شاهد و ناظر اعمال و حاکم بر آنان معرفی کنیم .

همچنین ضروری است از سنین پس از تمیز خدای را حسابرس ، پاداش رسان و کیفرده اعمال آدمی بدانها بشناسانیم ، به گونه ای که در همه شرایط

بقیه در صفحه ۵۲

و در معاشرت باشد . ارزش او برتر از آن است که در هر معرضی به نمایش خود و زیباییهای خود بپردازد .

۲- ایجاد عزت نفس

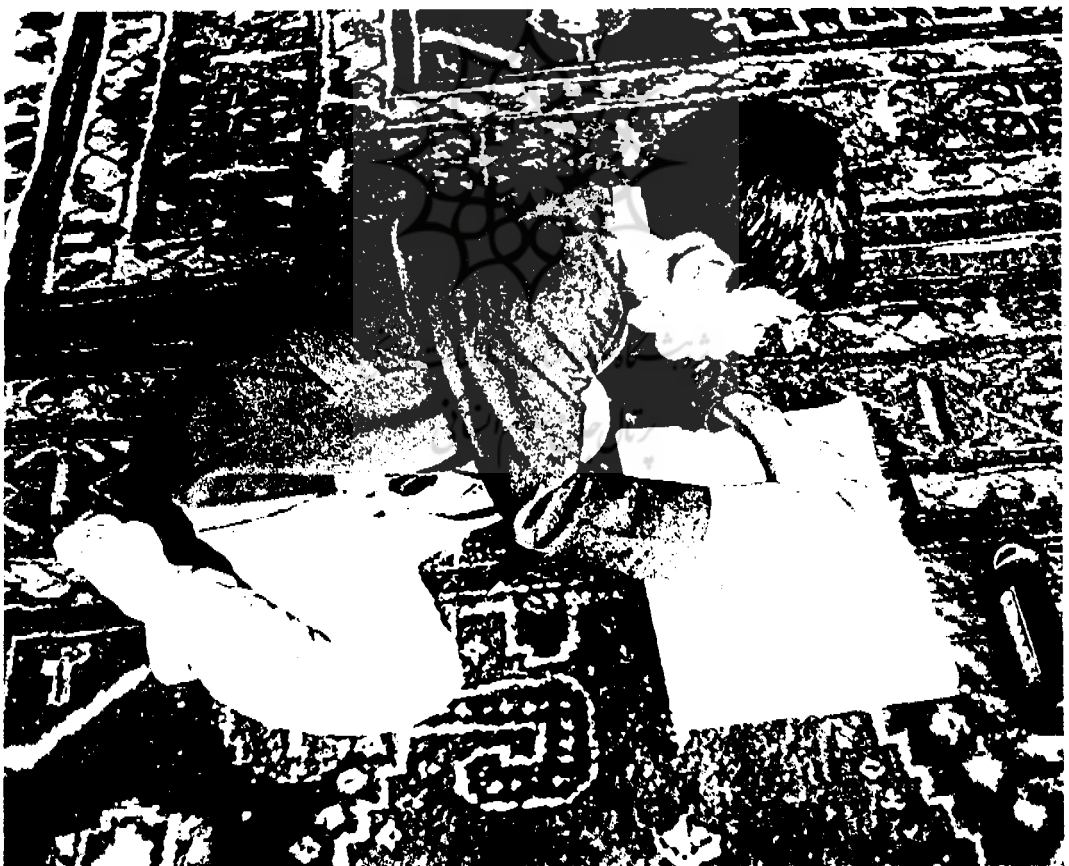
داشتن روح بلند و حساس گرامی داشت خود نعمتی است که به همه کس ارزانی نمی شود . ممکن است برخی از انسانها از لحاظ مادی بسیار فقیر باشند ولی در درون خود غنائی احساس کنند و برعکس افرادی ثروتمند و غنی باشند و عزت و غنائی را در خود احساس نکنند . عزت نفس سرمنشاء بسیاری از مقاومتهای استقامت‌ها در برابر شرور و با دعوتها به مفاسد است . گرسنگان محبت و آنها که از درون احساس فقر دارند در برابر اندک تملقی خود رامی بازند و اعتبار و شرافت خود را از دست می دهند . در نظام تربیتی اسلام اصل برای این است که دختران را از غنای درون و عزت نفس لبریز کنیم تا در برابر وسوسه های تملق آمیز خود را نوازند . وجودشان بر خودشان گرامی و عزیز آید تا در حفظ و حراست خود جرات و حسارت کافی داشته باشند . خود را مهم و گرامی تلقی کنند تا در کشاکش امور و جریانات بی هراس و وا همه ای به پیش روند .

۳- جهت دار کردن عواطف

کودک در دوران خردسالی عاطفه ای کورویی تمیز دارد ، به سوتی متمایل است که برایشش منفعتی آتی حاصل سازد . با هر طعمه مسرود علاقه ای می توان او را خرید و نظرش را به خود جلب کرد . مصداق کامل این امر عبارتست از :

دكتور هرا بازرگان

تکلیف شب - مسأله همیشه دانش آموزان و اولیای آنان !!!



تکلیف شب وسیله ای برای ایجاد صمیمیت یا موضوعی برای درگیری در خانواده؟

سنگین ترین تکلیف شب نیز نمی - تواند درسی را که در کلاس به خوبی تفهیم نشده، به شاگردان یاد بدهد.

آیا تکلیف شب یک ضرورت است ؟ برای چه کسی ؟ دانش آموزان ، اولیاء یا معلمان ؟

تکلیف شب تعلق به دوران خاصی ندارد . از همان زمان که بچه ها تمرینات درسی خود را روی لوح کوچک سنگی انجام می دادند تا به امروز که در اغلب موارد کاغذهای سفید و الوان کتابچه های کلاسور وسیله انجام این وظیفه آموزشی است ، مساء له تکلیف شب و مباحثات مربوط به آن همواره برای دانش آموزان ، معلمان و اولیاء مطرح بوده ، نظریات موافق و مخالف آنان را برانگیخته است .

آنان که نظر مخالف دارند

با استراحت ، بازی و یا اشتغال به یک کار سرگرم کننده و به هر حال فعالیتی غیر درسی بگذرانند . این قبیل اولیاء که اکثراً " تحصیلات بالا و موقعیتی مناسب در اجتماع دارند ، با استناد به گفته برخی از پزشکان عقیده دارند که بسیاری از عقب ماندگیهای تحصیلی ناشی از خستگی ذهنی کودکان است ، و این طور استدلال می - کنند که حجم زیاد دروس و کمبود وقت برای استراحت و تفریح باعث می شود کودکان نتوانند مطالب درسی را بخوبی هضم کنند و بتدریج با ازدست دادن انگیزه و علاقه به درس خواندن ، تمرکز خود را نیز از دست می دهند و به صورت شاگردانی کسل ، بی توجه و ماء یوس در می آیند .

تکلیف شب را بخصوص در سطح ابتدائی کاری بیهوده می دانند و عقیده دارند که کودکان پس از یک روز طولانی و خسته کننده در مدرسه وقتی به خانه می رسند بهتر است اوقات خود را



نکته دیگری که دلیل مخالفت برخی از اولیاء و مربیان تعلیم و تربیت من جمله نویسنده فرانسوی فیلیپ میرواست، این است که تکالیف درسی درخانه، بخصوص اگر سنگین و پیچیده باشد می تواند تبعیضات اجتماعی را تشدید کند، زیرا تنها دانش آموزانی که از داشتن پدر و مادری تحصیلکرده و محیط خانوادگی مطلوبی بهره مندند می توانند در محیطی آرام و پیرانگیزه برای انجام تکالیف کارکنند و از نظارت و کمک اولیای خود در جایی که دچار مشکل می شوند برخوردار گردند. بدیهی است چنین امکانی برای دانش آموز متعلق به قشر محروم جامعه وجود ندارد. اطافهای کوچک و پر جمعیت، بیسواد یا کم سواد اولیاء به عهده داشتن مسؤلیتهایی در اداره خانه و نگهداری کودکان خردسالتر، و... انجام تکالیف را در خانه برای این کودکان بسیار دشوار می سازد. لذا تکلیف شب غالباً " وسیله درگیری و ایجاد مشکلاتی بین این قبیل شاگردان و معلمان می شود.

درست است که تکلیف شب می تواند مسرور در سهای روزانه باشد، کودک را به نظم و ترتیب و قبول مسؤلیت و اداری و لذت انجام یک کار مستقل را بها و بچشاند، اما برای این کار باید وسایل و امکان انجام آن در اختیارش باشد و از همه مهمتر روش انجام تکالیف را در مدرسه یاد گرفته باشد.

آنان که موافق تکلیف شب هستند

درسی در خانه ناء کید دارند. یک مربی کودکان می گفت اولیاء برای کودکان کودکان خود نیز تکلیف شب می خواهند تا خیالشان راحت باشد که بچه ها چیز یاد می گیرند. از طرفی وجود تکلیف شب بچه ها را سرگرم کرده، مانع مزاحمتها و سروصدای آنان در خانه می شود. نتیجه یک همه پرسی که چندی پیش توسط یک روزنامه فرانسوی درباره تکلیف شب انجام گرفت، معلوم داشت که بسیاری از معلمان عقیده دارند کودکان و نوجوانان علاقه مند به انجام تکالیف درسی در خانه هستند به شرط این که طولانی نباشد. بنابراین عقیده این معلمان تکلیف

وقتی با معلمان درباره تکلیف شب صحبت می کنیم اغلب آنان عقیده دارند که این اولیای دانش آموزانند که بر دادن تکالیف

رشد سریع جمعیت و در نتیجه کلاسهای پرجمع ، کمبود معلمان ، مدارس چند نوبتسه و ... دانش آموزان وقت محدودی را در مدرسه می گذرانند ولذا شرایط آموزش و پرورش مورد انتظار به دلیل مشکلات فوق نمی تواند فراهم باشد ، لازم است کودکان آنچه را که در مدرسه آموخته اند در خانه تمرین و تکمیل کنند . از آن گذشته در شرایطی که امکان پرسش و پاسخ در کلاسها محدود است تکلیف شب می تواند برای معلمان وسیله ای جهت شناخت تواناییهای درسی شاگردان باشد .

باید دانست که یادگیری مطالب درسی تنها دریافت اطلاعات در مدرسه و مرور آنها در خانه نیست ، بلکه شامل یک سلسله فعالیتهاست مختلفی است که کودک باید در مورد آن اطلاعات انجام دهد تا بتواند آنها را در ذهن خود جایگزین نماید . نگارنده به یاد دارد که یک روز دانش آموزی که به علت عدم یادگیری مطلب درسی مورد سرزنش آموزگار خود قرار گرفته بود می گفت :

— ولی من از روی درس چندبار خوانده ام ، نمی دانم چرا نمی توانم یاد بگیرم .



شب باعث مداومت ارتباط بین مدرسه و شاگردان می شود و مانع می گردد که بچه هادر بازگشت به خانه،مدرسه وظایف تحصیلی خود را فراموش کنند .

اولیائی که موافق تکلیف شب هستند آن را وسیله ای برای تشخیص تواناییهای درسی فرزندشان می دانند و معتقدند که با نظارت به تکلیف متوجه می شوند که آنان تا چه حد مطالب را آموخته و چه کمبودهایی دارند .

این قبیل اولیاء معتقدند که تکلیف درسی شاگردان می تواند وسیله ای برای برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه باشد ، زیرا اولیاء از طریق نظارت بر تکلیف متوجه می شوند در مدرسه چه می گذرد و چه تغییراتی در محتوای روشها و برنامه های درسی داده شده است . این امر باعث می شود که آنان در مواردی به مدرسه رجوع نمایند و معلم فرزندشان را ملاحظات کنند . بدیهی است این امر در صورتی ممکن است که اولیاء احیاناً " به علت داشتن خاطرات نامطلوب از دوران تحصیلی خود ، از تماس با مدرسه واهمه نداشته باشند و ضمناً " محیط مدرسه و برخورد معلمان نیز گرم و پذیرای اولیاء باشد .

تکلیف شب و مدرسه

با این که در بسیاری از کشورها ، به علت شرایط مطلوب یادگیری در کلاسها ، وجود معلمان ورزیده ، کلاسهای کم جمعیت وغیره مسأله تکلیف شب لافل در دوره ابتدائی کنار گذاشته شده است و جای خود را به انجام فعالیتهای خلاقه و مورد علاقه کودکان داده است ، در کشورهایی مانند کشور ما که به علت

چگونه می توان مطالب درسی را با توجه
به تواناییهای کودک و شرایط
خانوادگی وی تنظیم کرد؟

آیا تکلیف شب می تواند وسیله ای
در ایجاد ارتباط بیشتر بین اولیاء و
مربیان باشد؟

چه وقت می توانیم مطمئن شویم که مطلب را یاد
گرفته ایم؟ وقتی بتوانیم آن را با کلمات
خودمان بیان کنیم؟ وقتی آن را حفظ شویم؟
وقتی بتوانیم خلاصه کنیم؟

بنابراین لازم است معلمان شاگردان را بسا
روشهای مختلف درس حاضر کردن، چگونگی
انجام تمرینات درسی، مرور تک مطلب برای
امتحان و برنامه ریزی برای انجام تکالیف آشنا

برخلاف آنچه ظاهراً به نظر می رسد درس حاضر
کردن کار آسانی نیست و بسیاری از دانش آموزان
نمی دانند چگونه درس بخوانند، آیا باید از
روی مطلب خواند؟ چگونه؟ چندبار؟ درکنار
مطلب درسی از چه لوازمی باید استفاده کرد؟
مداد؟ کتابچه؟ خط کش؟ جزوه درسی؟
فرهنگنامه و کتابهای مرجع؟
آیا باید از کسی کمک گرفت؟ از چه کسی؟



کنند. نکته دیگر این است که پرحم تریس و سنگین ترین تکلیف شب نیز نمی تواند جبران درسی را بکند که در کلاس خوب تفهیم نشده است و برای تضمین موفقیت تحصیلی شاگردان نباید روی درس خواندن آنان در خانه کمک اولیاء تکیه کرد.

بله، تکلیف شب در شرایط فعلی مدارس ما امری لازم به نظر می رسد اما تکلیفی که طولانی و خسته کننده نباشد، انگیزه انجام آن در شاگردان بوجود آمده باشد و بتوانائی آنان از نظر جسمی و ذهنی مطابقت کند.

معلمان این نکته را نیز فراموش نکنند که هیچ بزرگسالی حاضر نیست پس از گذراندن یک روز طولانی در اداره، به محض بازگشت به خانه تا پاسی از شب به تکرار کارهای اداری روزانه بپردازد.

کمک مدرسه در انجام تکالیف

معلمان که در اول سال تحصیلی درباره تکالیف مورد انتظار، نحوه انجام و زمان ارائه آن با دانش آموزان و اولیاء آنان مشورت می کنند و به شاگردان اختیاراتی در انجام تکالیف و نحوه ارائه آن می دهند، معمولاً در دریافت، کیفیت مناسب تکالیف و جلب رضایت شاگردان موفقیت بیشتری دارند.

اما در مورد شاگردانی که به علل محرومیت های فرهنگی، بیسواد یا گرفتاری اولیاء و شرایط نامساعد مسکن بندرت از عهده انجام تکالیف برمی آیند مدرسه می تواند برنامه ای پیش بینی و اوقات خاصی را برای انجام تکالیف، زیر نظر معلمان یا شاگردان کلاسهای بالاتر تنظیم نماید، تا این قبیل دانش آموزان بتوانند در محیطی

آرام و پراگیزه کاردرسی خود را انجام دهند و احياناً "با طرح مشکلات خود، از کمک های درسی لازم برخوردار گردند. در این صورت تنها تکالیفی را می توان به خانه فرستاد که امکان انجام آن بختیابی برای کودکان وجود داشته باشد.

در مورد کودکانی که دچار عقب ماندگی تحصیلی هستند، دادن تکالیف کوتاه و تمرینات ساده و پرسیدن سؤالاتی که معمولاً این کودکان بتوانند از عهده پاسخ برآیند، در رشد اعتماد به نفس آنها و ایجاد انگیزه برای شرکت در فعالیتهای کلاس، مسلماً مؤثر خواهد بود، برعکس، تکالیف سنگین و پیچیده که خسار از توانائی این کودکان است آنان را نسبت به انجام هر نوع فعالیت درسی دلسرد و از خود ناامید خواهد کرد.

معلم موفق می گفت من فرمول معجزه آسانی ندارم و علت علاقه شاگردان من به انجام تکالیف درسی این است که برای هر شاگردی یاهر گروه از شاگردانم تکالیفی تعیین می کنم که با توانائی و شرایط زندگی خانوادگی آنان مطابقت داشته باشد. من از شاگردان قویتر تکالیف پرحمتر و نسبتاً پیچیده تری می خواهم، اما در عین حال این شاگردان را تشویق می کنم تا نتایج کار و تجربیاتشان را در کلاس با سایر بچه ها در میان گذارند و دیگران را دریافته های خود سهیم کنند.

تکلیف شب و اولیاء

تکلیف شب در حالی که می تواند وسیله ای برای نزدیک کردن و ایجاد صمیمیت بیشتری بین کودکان و اولیاء آنان باشد در بسیاری از مواقع

بسیاری از دانش آموزان نمی دانند چگونه باید درس حاضرکنند و در مدرسه هرگز روش انجام تکالیف به آنان یاد داده نشده است .

از دانش آموزان قشر محروم جامعه انتظار چه نوع تکالیفی رامی توان داشت؟

نظارت مستقیم داشته باشد . این کودکان در صورت عدم تمایل اولیاء به همراهی کودک در این امر ، از انجام تکالیف خودداری می کنند . این امر می تواند ناشی از دلایل مختلف من جمله نیاز کودک به توجه بیشتر بزرگسالان باشد . کودکانی که از تکلیف شب بسسه عنوان وسیله ای برای جلب توجه اولیاء و نگهداشتن آنان در کنار خود استفاده می کنند به زبان بی زبانی نشان می دهند که از توجه کافی برخوردار نیستند . در این صورت شایسته است اولیاء روابط خود را با فرزندشان مورد سؤال قرار دهند و وقت بیشتری را صرف صحبت و توجه به او کنند . فرصتهائی مانند زمان صرف غذا ، تماشای تلویزیون و بحث درباره برنامه های آن ، همراه بردن کودک برای خرید ، گردش و پیاده روی و صحبت با او در طی راه می تواند به حل این مسأله کمک نماید و نیاز وی را در جلب توجه اولیاء بهنگام انجام تکالیف درسی تخفیف دهد .

در شرایط نامطلوبی انجام می گیرد و در نتیجه موضوعی برای درگیریها و اوقات تلخی های خانوادگی می شود . خستگی ناشی از کار روزانه اولیاء ، تمایل آنان به انجام کارهایی مانند تماشای تلویزیون ، خواندن روزنامه ، تماس با دوستان و خویشاوندان باعث می شود که آنان گاه برخوردی ناشی از بی حوصلگی با فرزند خود داشته باشند و هراشتباه و خطای کودک را مورد سرزنش قرار دهند و احيانا " وی را تحقیر کنند . باید دانست که برای بسیاری از کودکان ایجاد محیطی آرام برای انجام تکالیف ، محیطی که آنان بتوانند دوران سروصدای تلویزیون ، رادیو و رفت و آمدها درس بخوانند و بدانند که در صورت لزوم از کمکهای فکری یکی از اطرافیان خود برخوردار خواهند بود ، کافی است و این قبیل کودکان انتظار دیگری ندارند . اما دانش آموزانی نیز وجود دارند که این شرایط برایشان کافی نیست و تنهادر صورتی تکالیف خود را انجام می دهند که مثلا " مادر ، پدر یا بزرگسالی در کنارشان باشد و به کارهای آنان



زود گذر را فدا کند .

درشماره آینده به راهها و روشهایی چند که می تواند به تسهیل انجام تکالیف درسی کودکان درخانه کمک کند اشاره خواهد شد .

منابع :

- 1- MEIRIEU - P, DEVOIRS ,
SYROS, 1987
- 2- VIE FEMININE , 17-2-MARS
1987
- 3- TEDESCO, E, LES PARENTS
PARENT DE L'ECOLE,
CASTERMAN , 1979 .

گاه انجام تکالیف برای شاگرد بی معنی ویی
فایده به نظر می رسد زیرا او دقیقاً " نمی داند
چه باید بکند و پرسشهای معلم برایش مبهم
است . دراین طورمواقف کمک به وی درمطالعه
دقیقتر سؤالات یا تشویق او به پرس و جوازیک
همگلاسی به روشن شدن موضوع کمک خواهد
کرد .

عدم ارتباط مطالب درسی با زندگی روزانه
کودک یکی دیگر از مواردی است که او را نسبت به
انجام تکالیف دلسرد می نماید . کودک مفید
بودن این تکالیف را نمی تواند تشخیص دهد
و نوید هایی از این قبیل که وقتی بزرگ شدی
این معلومات به دردت خواهد خورد ، مشکل را
حل نخواهد کرد . کمک لازم دراین مواقع
کوشش در ارتباط دادن وقایع و تجربیات زندگی
خانوادگی با دروس مدرسه است . مثلاً " برای
شاگردان کلاسهای اول تا سوم دادن
مسئولیتهایی مانند یادداشت کردن پیامهای
تلفنی ، تشویق آنان به نوشتن نامه به دوستان
و بستگان ، نوشتن خاطرات روزانه و ازاین
قبیل ... به معلوماتی که درمدرسه فرامی گیرد
جنبه عملی می دهد و به آن معنی می بخشد .
اکراه درانجام تکالیف گامناشی از جذابیت
محیط اطراف بخصوص بازی با دوستان یا
تماشای تلویزیون می باشد . از طرفی نیز اولیای
کودکان تصویر مثبتی از کار و فعالیت جدی به او
ارائه نداده اند ، دراین صورت چگونه می توان
از کودکی انتظار داشت که از کارکردن لذت
ببرد ، درحالی که هرگز چنین الگویی رادر
اطراف خود ندیده است و هرگز به او نشان
نداده اند که انجام یک کار جدی وحل یک
مشکل تا چه حد می تواند لذتبخش باشد و ارزش
این را دارد که انسان به خاطر آن لذتهای

دکتر علی شریعتمداری

دقت و عوامل مؤثر در آن

وقتی که فرد محرک خاصی را انتخاب می‌کند و خود را برای دریافت آن و ایجاد عکس العمل معین در مقابل آن آماده می‌سازد، در این صورت گفته می‌شود دقت به سوی امر معینی جلب شده است. دقت مقدم بر ادراک، یادگیری و تفکر است. در برخورد به عالم خارج ابتدا ذهن و حواس ما روی امر خاصی تمرکز پیدا می‌کند بعد آن را ادراک می‌نماییم و نسبت به آن فهم و بصیرت پیدا می‌کنیم و در جریان تفکر یا حل مسئله آن را مورد استفاده قرار می‌دهیم.

شرایط دقت

دقت امری انتخابی است. فرد دائما " با محرکهای مختلف برخورد دارد، اگر بخواهد یکی از این محرکها را مورد دقت قرار دهد و ذهن و حواس خود را روی آن متمرکز سازد باید آن را انتخاب کند. تعدد محرکها و تضاد و اختلاف میان آنها مانع جلب توجه فرد به همه آنهاست. بنابراین باید محرک خاصی را انتخاب نمود و آن را مورد دقت قرار داد. همان طور که محرکها متعدد و مختلف هستند عکس العمل فرد نیز در مقابل محرک یا محرکهای خاص ممکن است به صورتهای گوناگون ظاهر گردد. بنابراین فرد مجبور است از میان عکس‌العملها یکی را انتخاب کند و در مقابل محرک معین عکس‌العمل انتخاب شده را ظاهر سازد.

دقت مستلزم آمادگی است. انتخاب محرک معین و نشان دادن عکس‌العمل خاص مستلزم آمادگی است. فرد باید از لحاظ



گذشته فرد می باشد .

اقسام دقت

دقت را از دو جهت می توان تقسیم کرد ، از لحاظ موضوع و از نظر کیفیت .

دقت از لحاظ موضوع بر چهار گونه است .

۱ - دقت حسی : وقتی امر محسوس مانند رنگ ، روشنی ، صدا یا آهنگ مخصوصی و منظر زیبایی توجّه ما را به خود جلب کند ، این نوع دقت را دقت حسی می گویند .

۲ - دقت عقلانی : هرگاه ایدالی ، تصویری یا فکری ذهن ما را به خود مشغول دارد در این صورت دقت عقلانی حاصل می شود .

۳ - دقت مستقیم یا بدون واسطه : این نوع دقت در صورتی حاصل می شود که امری به واسطه مجاورت یا امر مورد علاقه ما ، نظر ما را به خود جلب نماید .

دقت از لحاظ کیفیت بر سه گونه است :

۱ - دقت ارادی : که آن را دقت فعال نیز می نامند . این نوع دقت مستلزم کوشش و فعالیت فرد است و از روی قصد و اراده ظاهر می گردد . غالباً " موضوع دقت ارادی امری است که خود بخود مورد علاقه نیست بلکه در اثر ارتباط با امر مورد علاقه دقت ما را به طرف خود جلب می نماید .

وقتی فرد هدف معینی دارد برای نیل به آن از وسائل مختلف استفاده می کند . وسائل خود بخود مورد علاقه و میل فرد نیستند ولی ازین لحاظ که او را به هدف اصلی نائل می سازند مورد توجّه او واقع می شوند .

گاهی دقت ما به طرف امری جلب می شود که همراه با امر مورد علاقه وارد ذهن ما شده است یا پیوسته باعث تاءمین رضایت خاطر گردیده

روانی و بدنی آماده باشد تا بتواند محرک خاصی را انتخاب کند و عکس العمل معینی را در مقابل آن نشان دهد . علاوه بر آمادگی روانی و بدنی آمادگی برای برخورد به موقعیت نیز در جریان دقت تاءثیر دارد .

در انتخاب محرک و بروز عکس العمل ، فعالیت های اعضای حسی و حرکتی ، آمادگی بدنی فرد را ظاهر می سازد . فرد چشم خود را به نقطه معینی متوجه می کند یا سر خود را به یک طرف می چرخاند و گوش خود را برای شنیدن صدای معینی آماده می سازد . در ابراز عکس العمل نیز فعالیت های اعضاء حسی و عضلات محسوس است .

آمادگی روانی وقتی ظاهر می شود که فرد برای ادراک امری که در معرض حواس او قرار گرفته است فعالیت می کند ، از تجربیات گذشته خویش استفاده می نماید ، آنها را به خاطر می آورد و به وسیله آنها آنچه را که می بیند مورد تفسیر و بررسی قرار می دهد . در موقع بروز عکس العمل نیز به سه می کند ، برای برخورد به مسأله فکر خود را بکار می اندازد و بالاخره راه حل معینی را انتخاب می کند و به حل مسأله میبادرت می ورزد .

در جریان دقت ، فرد خود را برای برخورد به موقعیت نیز آماده می سازد . موقعیت در این جا شامل محل ، اشیاء و اشخاصی است که فرد در زمان معین با آنها مواجه می شود .

منظور از آمادگی برای برخورد به موقعیت تشخیص موقعیت و درک آن است . همین امر سبب می شود که فرد عکس العمل مناسب را برای برخورد به محیط از خود ظاهر سازد .

بنابراین دقت مستلزم فعالیت اعضای حسی ، دستگاه عصبی و عضلانی و استفاده از تجربیات



است .
عکس ، خواندن یک عبارت یا مشاهده یک
واقعه عادی ممکن است بدون اراده دقت ما را
جلب کند . غالباً " این گونه امور در اثر مجاورت
با خاطرات جالب ، آنها را در ذهن ما زنده می -
کنند و روی همین اصل دقت ما را به طرف خود
جلب می نمایند .

۳ - دقت عادی ، دقت وقتی امری عادی شد
بدون قصد و کوشش انجام می شود و مانند دقت
غیر ارادی است . فرق میان دقت عادی با
دقت غیر ارادی این است که دقت عادی ابتدا
باسعی و کوشش همراه است و از روی اراده و قصد
انجام می گیرد ، در صورتی که دقت غیر ارادی
بدون تلاش و کوشش از فرد سر می زند . دقت
عادی نیز در اثر تمرین و تکرار مانند دقت غیر
ارادی می شود و بدون قصد صورت می گیرد .

بسیاری از عادات را فرد ابتدا از روی دقت
و توجه فرا می گیرد و از روی قصد و اراده آنها را
انجام می دهد ، اما در اثر تمرین و تکرار این
عادات خود بخود در مواقع لزوم صورت
می گیرد . ماشین نویسی ، رانندگی و بسیاری از

موضوع دقت ارادی ممکن است امور حسی
باشند و گاهی دقت ارادی متوجه امور عقلانی
است . محرک ما در دقت ارادی احتیاجات اساسی
ماست .

گاهی برای جلب محبت دیگران امور خاصی
را مورد دقت قرار می دهیم و زمانی برای تثبیت
موقعیت اجتماعی خویش دقت خود را روی امور
معینی متمرکز می سازیم .

۲ - دقت غیر ارادی که آن را دقت انفعالی
نیز می گویند ، پاره ای از محرکها بدون اراده
نظر ما را به خود جلب می کنند . صدای مهیب ،
قیافه نازه ، روشنائی خیره کننده ، اشیای
متحرک ، حیوانات وحشی ، مناظر زیبا ، ضربات
شدید ، خون و مانند اینها دقت ما را به خود
جلب می کنند . در برخورد به این گونه امور
فرد بدون قصد و اراده متوجه آنها می شود .

گاهی امور عادی در اثر ارتباط با چیزهای
مورد علاقه ما دقت غیر ارادی ما را جلب می -
کنند . شنیدن یک صدای معمولی ، دیدن یک

یکنواختی و ثبات معمولاً اثر محرکهای معین را کم می کند و دقت افراد را به امور دیگر متوجه می سازد. تغییر تدریجی و آهسته نیز ممکن است چندان مؤثر نباشد. روی این اصل گفته می شود که تغییر باید ناگهانی باشد تا دقت افراد را زودتر جلب نماید.

۲- تکرار:

تکرار محرک نیز سبب جلب توجه افسرداد می شود. تجربه نشان می دهد که فرد وقتی شیء معینی را چند مرتبه مشاهده کند، دقت او نسبت به آن زودتر جلب می گردد تا زمانی که فقط یک مرتبه آن شیء را ببیند. در آگهی های تجارتي یا تبلیغات سیاسی وقتی موضوعی بطور مکرر در مقابل افراد قرار گیرد زودتر نظر آنها را جلب می کند، مثلاً "نوشتن کالای پسرارزش، کالای پسرارزش، کالای پسرارزش در یک آگهی تجارتي زودتر نظر مشتریان را جلب می کند. همین طور در مورد تبلیغات سیاسی تکرار کلمه "خدمتگزار مردم" بیشتر توجه افراد را جلب می نماید.

در مورد تکرار نیز باید چند نکته را در نظر گرفت. اول این که تکرار مداوم یک امر، اثر آن را از بین می برد. بنابراین تکرار باید در فاصله معینی صورت گیرد تا سبب توجه افراد به امر خاصی شود.

دوم این که تکرار نباید یکنواخت باشد. اگر موضوعی را به یک صورت تکرار کنیم حالت یکنواختی در آن ظاهر می گردد و توجه افراد را جلب نمی کند. روی این اصل باید تکرار همراه با تغییر باشد تا بهتر نظر افراد را جلب کند. در این مورد لازم نیست که امر مورد نظر بطور کامل تغییر یابد بلکه باید در جریان تکرار آنرا به صورتهای مختلف یا همراه با امور متفاوت ظاهر

اعمال ریاضی ابتدا از روی قصد و اراده آموخته می شود ولی در اثر تمرین و تکرار به صورت عادت درمی آید و فرد بدون اراده اعمال لازم را با دقت انجام می دهد.

محرک فرد در دقت عادی نیز احتیاجات اساسی یا تألیلات است. آمادگی روانی و بدنی نیز به صورت عادت درمی آید و خود بخود صورت می گیرد.

عوامل مؤثر در دقت

اول عوامل خارجی:

۱- تغییر:

تغییر در محرک سبب جلب دقت می شود. تغییر ممکن است مکانی باشد، یعنی چیزی از محلی به محل دیگر انتقال پیدا کند، همیسن تغییر محل، توجه فرد را جلب می نماید. تغییر ممکن است کیفی باشد، مثلاً "تغییر در کیفیت هوا سبب جلب توجه می شود. تغییر از گرمی به سردی، تغییر رنگ و مانند اینها امر متغیر را مورد توجه قرار می دهد.

تغییر کمی مانند بزرگ شدن یا کوچک شدن، توجه فرد را به امری جلب می نماید. بنابراین تغییراتی که در محرک بوجود می آید توجه فرد را جلب می کند، در صورتی که قبل از پیدایش تغییر، فرد نسبت به شیء متغیر حالت بیطرفی یا عدم توجه دارد.

معلم باید متوجه تاءثیر این عامل باشد، در موقع صحبت کردن "تن" صدای خود را تغییر دهد، مطالب مورد بحث را از صورت یکنواختی خارج سازد و روشهای گوناگون را در تدریس بکار برد تا بهتر بتواند دقت شاگردان را به خود جلب کند.



ساخت . معلم در موقع تدریس یک نکته علمی یا یک مسأله اجتماعی می تواند از طریق تکرار ، توجه شاگردان را به آن نکته جلب کند ولی اگر آنرا به یک صورت تکرار نماید کمتر مورد توجه شاگردان قرار می گیرد . بنابراین باید نکته یا مسأله مورد بحث را به اشکال مختلف و همراه با امور متفاوت تکرار نماید تا بهتر بتواند نظر شاگردان را جلب نماید .

۳- قدرت :

محرك قوی زودتر از محرك ضعیف نظر فرد را جلب می کند . فشار قوی ، صدای بلند ، ضربات سنگین ، رنگ خیره کننده ، حرارت زیاد و مانند اینها سبب جلب دقت افراد می شود . مطالعاتی که به وسیله مؤسسات تبلیغاتی به عمل آمده است نشان می دهد که رنگهای قوی و خیره کننده زودتر نظر مشتریان را جلب می کند . اندازه شیء نیز در قدرت آن تأثیر دارد . اشیاء بزرگ یا هیكلهای عول آسا زودتر نظر مردم را جلب می کنند .

اختلاف یا تضاد :

محرك یا امری که با امور اطراف خود اختلاف داشته باشد یا ضد آنها باشد زودتر نظر افراد را جلب می نماید . روشنی در تاریکی ، سفیدی در میان سیاهی ، یک آدم مسن در میان بچهها ، یک زن در میان مردها ، خیلی سریع نظر افراد را به خود جلب می نماید .

۵- تازگی و ناگهانی :

امری که برای افراد تازگی داشته باشد زودتر نظر آنها را به خود جلب می کند . گفته می شود فرد از دیدن چیز تازه لذت می برد . بطور کلی مردم نسبت به چیزهایی که تازگی دارند علاقه و توجه خاصی ابراز می دارند .

چنانچه در حریبان تغییر کفتم پیدایش

ناگهانی یا یک شکست فوری سبب جلب دقت افراد می شود .

علاوه بر عوامل بالا امور دیگری از قبیل تعدد محرك ، طرح و زمینه ای که محرك در آن قرار دارد ، ترتیب محرکها و پیچیدگی محرك نیز در جلب دقت افراد تأثیر دارد . تعدد محرك گاهی مانع جلب توجه افراد می شود ، چنانچه ترتیب محرکها مثل صداهای نامنظم و پراکنده تمرکز حواس را از میان می برد . طرح و زمینه ای که محرك در آن قرار دارد در جلب دقت فرد مؤثر است . امور نامربوط کمتر دقت افراد را جلب می کند ولی وقتی چند امر در طرح و زمینه خاصی قرار گیرند دقت افراد به طرف آنها جلب می شود .

پیچیدگی امور نیز گاهی دقت افراد را جلب می نماید . معمولاً امور پیچیده فرد را به فعالیتهای گوناگون وامی دارد و همین جنبه تحریکی در جلب دقت نیز مؤثر است .

دوم عوامل روانی :

۱- عادت :

وجود می آید و پس از جندی بجه هابآسانی می توانند این گونه امور را مورد توجه و دقت قرار دهند. احتیاج نیز فرد را به دقت وامی دارد و بتدریج توجه به امری را به صورت عادت در او ظاهر می سازد.

عادت به دقت در افراد مختلف است و هر یک مطابق میل و رغبت یا احتیاج و تجربیات خود می تواند امر خاصی را مورد دقت قرار دهد.

۲- آمادگی :

چنانچه قبلاً نیز تذکر دادیم آمادگی شرط اساسی دقت است. آمادگی فرد برای دریافت محرک معین و بروز عکس العمل خاص در جریان دقت تاءثیر فراوان دارد. فردی که آماده برای پاسخ دادن به سؤالات معینی است زودتر می تواند دقت خود را متمرکز سازد و جواب سؤالات را حاضر کند و معمولاً آمادگی با انتظار همراه است. فردی که خود را برای درک امر معینی آماده کرده است منتظر وقوع یا پیدایش آن امر می باشد و به محض پیدایش آن امر دقت او به

یکی از عوامل مؤثر در دقت عادت فرد است. بعضی از افراد در اثر عادت امری را مورد دقت قرار می دهند، در صورتی که دیگران نمی توانند دقت خود را به آن امر جلب کنند. مصحح یک روزنامه یا کتاب بآسانی می تواند دقت خود را به اشتباهات چاپی جلب کند در صورتی که افراد دیگر هرچه در این باره سعی کنند مع ذلک نمی توانند بطور کامل در این مورد اقدام کنند. عادت به دقت نیز تحت تاءثیر عوامل مختلف قرار دارد. گاهی والدین، بجهرا به دقت درباره امور خاصی تشویق می کنند و از این راه عادت به دقت را در آنها رسوخ می دهند.

در بعضی موارد علاقه و رغبت بجه به امری توجه و دقت او را بدان امر جلب می کند. در مدرسه نیز عادت به مطالعه، عادت به انجام اعمال اصلی حساب، عادت به نوشتن لغات، عادت به حفظ کردن اشعار و مطالب درسی، عادت به گوش دادن به گفتار معلم یا دیگر شاگردان و عادت به آهسته خواندن در بجه ها





مهارت‌های اجتماعی را فراگیرند و به قدرت بدنی و فعالیت‌های عضلانی خویش علاقه دارند .

آشنائی بمهارت‌های اجتماعی و قدرت بدنی در تثبیت موقعیت اجتماعی آنها تأثیر دارد روی همین اصل این گونه امور مورد توجه و دقت بجه هاست .

۴- رغبت :

رغبت نقش عمده ای در جریان دقت بازی می کند . معمولا افراد امری را مورد توجه قرار می دهند که مورد علاقه و رغبت آنها باشد . اختلاف افراد در برابرز عکس العمل در مقابل محرک‌های معین مربوط به رغبت‌ها و تمایلات گوناگون آنهاست .

میل و رغبت ، فرد را آماده برای دریافت محرک یا محرک‌های خاصی می کند . یک منظره یا یک فیلم و سخنرانی نظر افراد مختلف را از جهات متفاوت جلب می کند . آنچه را که یک نقاش از یک منظره می بیند با آنچه یک معمار یا یک زارع مشاهده می کند فرق دارد . این منظره از یک جهت توجه این عد مرا جلب نمی کند ،

طرف آن جلب می شود .

۳- احتیاجات اساسی :

معمولا اموری که با احتیاجات اساسی فرد ارتباط دارند زودتر مورد توجه او قرار می گیرند . آدم گرسنه زود متوجه بوی غذا می شود یا تابلوی رستوران نظر او را جلب می کند . آدم خسته زودتر از دیگران متوجه محلی که برای

استراحت متناسب است می گردد . در مدرسه نیز اگر مطالب درسی با احتیاجات اساسی بچه ها مربوط باشد زودتر دقت شاگردان را جلب می کند . بنابراین در انتخاب مواد درسی باید احتیاجات اساسی بچه ها را مورد توجه قرار داد . ضمناً " معلم باید ارتباط مطالب درسی را با احتیاجات اساسی بچه ها روشن سازد تا بهتر بتواند دقت آنها را روی مطالب درسی متمرکز سازد .

احتیاجات اساسی محرک عمده‌ای در جلب دقت افراد است . علاوه بر احتیاجات بدنی احتیاجات روانی نیز در جلب دقت افراد تأثیر می کند . معمولا بچه ها متمایل هستند

می‌گیرند که از لحاظ قدرت عقلانی ضعیف باشند . توجه به دسته سیاسی معین یا انتخاب حرفه ممکن است در سایه تلقین صورت گیرد .

بچه ها غالباً " به چیزهایی دقت می‌کنند که والدین یا معلمان به آنها تلقین می‌نمایند . غالباً " دیده شده افراد اموری را مورد دقت قرار می‌دهند که ارزش و اهمیت آنها برای ایشان روشن نیست ولی چون این گونه امور به وسیله والدین ایشان یا معلمان یا اشخاص مورد احترام آنها تلقین شده خود بخود دقت خود را متوجه آنها ساخته اند .

وقتی فرد در میان جمع قرارداد بدون اراده دقت خود را متوجه اموری می‌سازد که دقت جمع به آنها جلب شده است . وقتی گروه به محل خاصی نگاه می‌کند فرد نیز خود بخود به همان محل توجه می‌نماید .

انتقال دقت

معمولاً دقت فرد از امری به امر دیگر منتقل می‌شود ولی جریان این انتقال مربوط به عوامل خارجی (محرک) و عوامل درونی یا احتیاجات و تمایلات فرد است .

ادامه دقت یا حدود آن نیز مربوط به عوامل بالاست . بعضی حدود دقت را همانند حدود حافظه می‌دانند . پاره ای از آزمایشها نیز این نکته را تائید می‌کند . همان طور که یک شاگرد در دانشکده نمی‌تواند بطور مثال بیش از یک عدد ۸ رقمی را به خاطر بسپارد دقت او نیز ممکن است روی عدد ۸ رقمی جلب شود و اعداد بیش از ۸ رقمی از حدود دقت او خارج است . در جریان دقت فرد می‌تواند یک شیء را مورد دقت قرار دهد ولی در دقت عادی ممکن است دویا چند چیز در قلمرو دقت او باشد .

بلکه هریک از آنها بر طبق تمایلات و رغبت خویش جنبه ای از این منظره را مورد توجه قرار می‌دهد .

رغبت آنی نیز توجه فرد را به سوی امر معینی جلب می‌کند . چنانچه قبلاً گفتیم عوام — مربوط به محرک مثل تغییر ، تکرار ، شدت و تازگی در جلب دقت فرد تاءثیر فراوان دارند ولی آنچه دقت فرد را برای مدت معینی روی امر خاصی متمرکز می‌سازد رغبت و تمایلات اوست .

شدت محرکی ممکن است توجه فرد را به خود جلب کند ولی اگر این محرک مورد علاقه فرد نباشد دقت او بلافاصله متوجه امر دیگر خواهد شد .

رغبت در جریان دقت و یادگیری به منزله عامل تقویت کننده است . وقتی امر تازه ای توجه فرد را به خود جلب نمود اگر این امر مورد علاقه او باشد دقت او بیشتر به طرف آن امر جلب می‌شود و همان طور که گفته شد مدت طولانی تری توجه فرد بدان معطوف خواهد شد .

رغبت از لحاظ تربیتی نقطه شروع فعالیتهای را تشکیل می‌دهد . برای این که شاگرد مطالب یا موضوع خاصی را مورد دقت قرار دهد باید علاقه مند به آن باشد . ارتباط مطالب درسی با احتیاجات اساسی بچه‌ها نیز سبب جلب رغبت آنها به مطالب درسی است . در هر صورت باید فعالیتهای تعلیماتی را به نحوی بارغبتهای و تمایلات بچه‌ها مربوط ساخت .

۵- تلقین :

ارتباط با دیگران فرد را تحت تاءثیر تبلیغات ایشان قرار می‌دهد و همین تلقینات گاهی سبب توجه فرد به موضوع یا امر خاصی می‌شود . معمولاً " افرادی تحت تلقینات دیگران قسراً

عمل احسن

مفردات اعتقادی

در بخش‌های قبل ملاک‌های مقبولیت عمل و حسنات را شناختیم و طبعاً "ملاک‌های عمل احسن را نیز دریافتیم، زیرا معلوم است که حسنات و احسنیات به لحاظ ملاک و شرایط مقبولیت تفاوتی ندارند و تفاوت در غایت و درجات نتیجه است.

اینک می‌پرسیم چه باید بکنیم تا به انجام احسن عمل توفیق پیدا کنیم؟ به عبارت دیگر ما از لحاظ علمی شناختیم که احسن عمل چیست و چقدر اهمیت دارد و کارساز است، ولی چرا به انجام آن موفق نیستیم و چگونه می‌توانیم به آن برسیم.

در پاسخ این سؤال باید گفت چهار مرحله یا چهار عامل لازم است که انسان به این هدف متعالی که آرزوی هر سالک و مؤمن است نائل شود. این مراحل عبارتند از شناخت ماهیت و غایت اعمال و مراتب ارزشی آنها، انتخاب صالح‌ترین عملها (این دو مرحله جنبه علمی و شناختی دارد)، دخالت ندادن میل و هوا در انجام یا انتخاب اعمال، خود حقیری و عمل حقیری (و این دو مرحله جنبه سلوکی دارند). حال به توضیح مراحل چهارگانه فوق می‌پردازیم:

ابوالفضل بهرام پور

درس ششم



۱- شناخت ماهیت و غایت اعمال

لازم است بدانیم هر عملی در شرایط مختلف چگونه ارزشهای متفاوت پیدا می‌کند و هدف و غایت هر عملی چیست؟ مثلاً "در یک نگاه کلی به عبادات، درمی‌یابیم که همه آنها به یک حساب

از صلوة، ذکرالله (اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) است اتفاقاً " من دائم الذکر هستم و اگر هدف ترک فحشاء است، (اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) من تارک فحشایم . او به نماز به دیده طریقت محضه نگاه می کند و موضوعیت آن را انکار می نماید! درحالی که نماز، هم خودش هدف و مطلوب است و هم طریقی برای ذکرالله و ترک فحشاء و اصولاً " ستون دین است . ترک فحشایی مطلوب و عبادت است که از طریق صلوة بوده باشد، و ذکر می مطلوب و عبادت است که از راه صلوة حاصل شده باشد . عبادت یک امر توفیقی است و به تعیین شارع تحقق می پذیرد . عبادت یک مساءله احتیادی یا اختراعی نیست که هر کسی به سلیقه خود ابداع عبادت کند .

۲ - انتخاب صالح ترین عملها

آن جا که انسان در برابر چند عمل صالح ، فقط برای انجام یکی از آنها فرصت یا توان دارد ، بهترین را که رضای خدا در آنست برگزیند و مصلحت گرائی مانع صحت عمل نشود . طبیعی است وقتی انسان ماهیت و اهداف اعمال را شناخت آنگاه به سادگی می تواند عمل اصلح و اولی را تشخیص دهد . قرآن کریم کسی را که عقل و تفکر او از هرگونه شائبه و حاذبه های جانبی مادی و اجتماعی و فردی و نفسانی مصون است اولوالالباب می داند چرا که عقل اولی است و عقل خالص او مسائل را می نگرد سپس اخلص و اصلح آنها تبعیت می کند : اَلَّذِينَ سَمِعُوا الْقَوْلَ فِيتَّبِعُونَ اَحْسَنَهُ اُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَاُولَئِكَ هُم اُولُوا الْاَلْبَابِ (زمر ۱۸)

یکی از صلحا به نام رمضان به سفلی نصابی

مقدمه هستند برای ذکر خدا یعنی طریقت دارند به ذکرالله . در یک کلام هدف عمومی عبادات انقطاع و اتصال است ، بریدن از هر آنچه غیر خداست و واصل شدن به یاد و ذکر مداوم او . شما به هنگام شروع نماز با گفتن تکبیرة الاحرام همه چیز را پشت سرمی اندازید جز خدا ، که او را پیش رودارید و وقتی به جهاد می روید ، همه چیز را طلاق می دهید . در همه این امور انقطاع و اتصال صورت می گیرد ، حتی در محرمات و مکروهات نیز آن را مشاهده می کنید . در هر ممنوع و مکروهی عنصراً عقلت از خدا وجود دارد . غافل بودن به معنی همان فراموش کردن ذکرالله است . برای رسیدن به ذکرالله باید حجابها و موانع کنار زده شوند . پس همه تکالیف و احکام ، طریقتی هستند برای ذکر خدا . و در یک نگاه موضعی و مقطعی به عبادات ، درمی یابیم که پاره ای از آنها ، هم موضوعیت دارند (یعنی خودشان مرادند) و هم طریقت دارند یعنی از یک لحاظ مقدمه اند برای امر دیگری و از لحاظ دیگر خودشان مطلوب و مقصود شارعند و جانشین پذیر نیستند مانند نماز و روزه . پاره ای از امور طوری هستند که محض طریقت دارند و بنابراین جانشین پذیرند مانند مسواک کردن ، و مایه دانیم منظور از آن بهداشت دهان است ؛ پس چوبی که در گذشته به عنوان مسواک مورد استفاده بود ، موضوعیت ندارد و لذا امروزه چیز دیگری جای آن را گرفته و فردا ممکن است بگویند اگر فلان بود در دهان بچرخانید مزایای بهداشتی دارد . بعضی ها در این باب سخت به اشتباه افتاده و به انحراف کشیده شده اند . برخی صوفیه غیر فقهائی (یعنی آن که نه خود مجتهد است و نه از مجتهد تقلید می کند) نماز را بر خود لازم نمی داند و معتقد است اگر هدف

واقعا" سخت است.

۳ - کاری را که انسان به حکم خدا انجام می - دهد ، نباید میل وهوا وملاحظات متفرقه رادر آن دخالت دهد. (اخلاص) اگر کسی واقعا" بدون هیچ نظری در پی کسب رضای خدا باشد ، خدای متعال او را به امداد غیبی تقویت می کند به عبارت صریحتر ، به او الهام می کند که چه کاری رامقدم بدارد وچه راهی را برگیرد ، وادی اخلاص وادی ای است که در آن مدد های غیبی به کمک انسان می شتابند .

وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ صُلْبًا

آنان که در راه مایه جان ومال کوشش کنند ، محققا" آنها را به راه (معرفت و لطف) خویش هدایت کنیم . (عنکبوت ۶۹) در این آیه سبلی که وعده داده شده ، نه در قرآن وجود دارد ونه در سنت ، این یک رهنمود جدید وبی سابقه ای است که به عبد مخلص اعطا می شود ، این یک رهنمود غیبی ومقطعی است که به فراخور حال خواستار رضوان خدا ، به او هدیه می گردد .

همچنین اگر انسان در طلسم گناه افتاد و راه های گریز به رویش بسته شد ، لکن او می خواهد با جدیت از این حادثه بگریزد ، و از خدا اضطرارا" طلب نجات می کند و این امر به خاطر ترس از ضرر مادی نیست و واقعا" شرم از خدا او را به تلاش وامی دارد که تقوی پیشه کند ، در این جا خداوند به دانش می رسد و گریز گاهی برایش ایجاد می کند ! وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا : وهر که بخواهد تقوی پیشه کند خداوند برایش گریز گاه می آفریند . (طلاق ۲) در آیه نغموده است گریز گاه رابه او نشان می - دهد ، زیرا که منفذ خروجی وجود ندارد و آدمی درین بست گناه واقع است . ما خود غالباً" وقتی درین بست های گناه قرار می گیریم ، گاهی

اشتغال داشت ومن او را دیده بودم . وی می گفت روزی دیدم یکی از مشتریها پیوسته از نوبت خود صرف نظر می کند . گفتم خواهر! شامحلو بیابید نوبتتان هدر نرود . گفت : " بیست و پنج ریال گوشت می خواهم . " ولی به جای پول ، شناسنامه شوهرش را روی میز گذاشت و گفت " شوهرم کارگر است ، از بالای دیوار افتاده و در خانه بستری است " . من خانه او را شناختم و شب رفتم و دیدم کلیه خرابه ایست که بایک وضع فلاکت باری در آن زندگی می کنند . وقتی این شرایط را دیدم رو به آسمان عرض کردم ای امام رضا ! من این سیصد تومان را که برای زیارت تو آماده کرده ام و پس فردا قرار است با خانواده خدمت تو مشرف شویم به این خانواده می دهم واز توعذر می خواهم . ————— پول را برداخته ، به منزل بازگشتم و به نحوی خانواده را به ترک مسافرت فانع کردم . شب خواب دیدم به مشهد رفته ام و جمعیت فراوانی منتظر کسی هستند . خدام نامرا دیدند جار کشیدند که راه دهید ، راه دهید رمضان می آید و مرا با احترام تاضریح بردند . دیدم حضرت رضا (ع) از داخل ضریح دستش را بیرون آورد وبامن بگرمی مصافحه کرد .

در این جا می بینیم رمضان در بین دو عمل صالح قرار گرفته است : زیارت یا احیاء خانواده ای محروم ؟ نفس انسان از عمل صالح (زیارت) به دلیل جاذبه های سیروسفر حمایت می کند و از دومی که جز رضای خدا چیزی در آن نیست و بر خلاف همه کششهای نفسانی می باشد و اصلح هم همان است ، حمایت نمی کند ، اما رمضان آن را برمی گزیند . البته این بدان معنی نیست که ما همیشه زیارت را ترک کنیم و مایه آن را ————— مستمندان بدهیم ، بلکه شناخت چنین موردی



اصلح را از صالح و احسن را از حسن تمیز دهید . یکی از کارهایی که پیامبر گرامی اسلام به عنوان رسالت برای امت خود انجام می دادند تعلیم حکمت و تزکیه بود . در مورد این که آیا حکمت و کتاب مرادف هستند یعنی یک چیزند یا دو چیز مستقل ، در میان نظریاتی که داده شده است بهترین نظر اینست که بگوئیم آنها باهم فرق دارند . مراد از کتاب همان قرآن و سنت و معارف است ولی حکمت عبارتست از علوم و اسرار و جایگاه احکام و اعمال ، یعنی خدا به بعضی ها به خاطر پاکی و مجاهدت ، یک نوع علم و بینش می دهد که بخوبی می توانند آثار و فوائد احکام را درک کنند و بفهمند که در فلان موقعیت و لحظه مصلحت با انتخاب کدام راه و

واقعا " چاره و راه را به روی خود بسته می بینیم ، گوئی انسان خود را بادست خویش محکوم به انجام و ارتکاب معصیت نموده است ! لذائمی - گوید راه را نشان می دهیم زیرا راهی وجود ندارد ، بلکه می فرماید برایش راه فرار رامی - سازیم ، جعل گریزگاه می کنیم : يجعل لسه مخرجا " و گاهی گناه می آید و بدون قصد و میل مادر محاصره مان می گیرد مانند جریان حضرت یوسف (ع) . در یک آیه دیگر یک قول و وعده بالاتری به مخلصین داده است :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا " هان ای کسانی که ایمان آورده اید ، اگر تقوی پیشه کنید خدا در شما قدرت تشخیص حق و باطل و فرقان ایجاد می کند (که حق را از باطل ، حق را از حق تر و باطل را از باطل تر بخوبی تشخیص می دهد انفال ۲۹) . وعده ای که در این آیه داده شده است نسبت به وعده هایی که در درد و آیه قبل داده شده فرق می کند . درد و آیه قبلی دوهدیة مقطعی است ، کسی که بان تلاش در پی یافتن رضوان است در همان مورد سبیل رابه او نشان می دهد ، و آن که در موقعیتی به چاه معصیت افتاده از خدا می خواهد که از گناه نجات یابد ، خدایک فرج مقطعی برایش ایجاد می کند . لکن در این آیه صحبت از دادن ابزار کار و قدرت تشخیص دائمی به دست عبد مخلص است ، معلوم می شود که اگر آدمی مؤمن باشد ولی تقوی برایش به صورت حرفه و ملکه و یک امر مستمر در نیامده باشد همیشه در مظان خطر خواهد بود . می فرماید ای مؤمنان اگر تقوی را پیشه دائم کنید به شما مثل راه می دهیم ، این فرقان را در وجود شما نصب و جعل می کنیم و یک ابزار همیشه همراه به شما می دهیم تا هر وقت لازم بود از آن بهره بگیرید و حق را از باطل ،

اَوْبَى خَيْرًا كَثِيرًا" خداوند حکمت را به هر که خواهد می دهد و کسی را که حکمت داده شد در واقع به او همه چیز داده شده است. (بقره ۲۶۹)

جمع بندی : سومین عامل برای توفیق یافتن به عمل احسن اخلاص است و کسی که به این وادی پیچیده وارد شد خدا او را کمک می کند. پس لازم است در مورد مخلص و مخلصتر و فرق آنها بحثی به میان آید.



کدام عمل است. آنها میان الهامات رحمانی و وساوس شیطانی فرق می گذارند. (تفسیر فخر رازی ج ۷ ص ۷۱ - تفسیر نمونه ج ۱ ص ۴۵۶) حکیم تشخیص می دهد کدام عمل را برگزیند، او جایگاه دقیق و صحیح، فعل یا ترک را با فرقان و حکمت خدادادی پیدا می کند. حکیم یعنی کسی که فعل و قولش بجا و بمورد صدور می یابد. وقتی گفته می شود یک چیزی محکم است یعنی در بیکره آن هر چیزی در جای اصلی و مناسب خود قرار گرفته است و حکمت یعنی تشخیص جایگاهها و تناسب میان اعمال و مورد ها و زمانهای مناسب آن و این قدرت تشخیص در عالم معنویات و تکامل انسانی فوق العاده اهمیت دارد و خداوند آن را به هر کسی نمی دهد. آن را به بندگان خاص خود که همیشه رو به سوی او دارند و زبان حالشان: اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ لِلَّذِیْ قَطَرَتِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا" (انعام ۷۹) است و بی دغدغه در پی رضوان محبوبند می دهد:

یُوْتِی الْحِکْمَةَ مَنْ یَّشَآءُ وَمَنْ یُّوْتِ الْحِکْمَةَ فَقَدْ

بقیه از صفحه ۳۱

بپذیرد و حتی به درجه ای از رشد رسد که خود منفرد خویش باشد، از خود حسابرسی داشته باشد، خود را به محاکمه بکشاند و در صورت خطا خود ملامتگر نفس خویش باشد.

برای وصول به این مقصد رابطه انس خود را با او بیشتر کنید، محبت خود را هر چند روزی یک بار به او اعلام کنید، به او تفهیم کنید که از داشتن فرزندی چون او خوشحالید و نیز بگوشید محبت خود را عملاً به او نشان دهید تا به رابطه انس شما با خود مطمئن شود و در موارد لازم انتقادات شما را بپذیرا گردد.

و فرصتها خدای را حاضر و ناظر بدانند.

۵- ایجاد روحیه نقد پذیری

از همان خرد سالی والدین و مربیان با عمل خود باید خویش را دوستدار و خیرخواه دختران معرفی کنند. به گونه ای که باورشان شود هراقدام و تذکری به خاطر خیر و صلاح آنهاست. دختر ما باید این باور برایش حاصل شود که حتی پر خاشگری و سنیزه جوئی والدین، انتقاد و ذکر عیوب آنها به خاطر خیر و صلاح اوست.

دختر ما باید در شرایطی از نظر روانی قرار گیرد که انتقادات والدین و مربیان را درباره خود